

دعاوی جعل طاری در دادرسی مدنی

ابوالقاسم ریشهری^{۱*}، محمدرضا پیرهادی^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران

۲. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰)

چکیده

دعاوی طاری از جمله طواری مربوط به ماهیت دعوی و مشتمل بر چهار نوع دعوا است. قانونگذار این دعاوی را تحت عناوین: دعوی متقابل، دعوی ورود ثالث، دعوی جلب ثالث و دعوی اضافی در قانون آیین دادرسی مدنی به صورت نامنظم احصاء کرده است؛ با این توضیح که دعوی اضافی را خارج از ترتیب مقرر و در ماده ۹۸ و در فصل چهارم تحت عنوان جلسه دادرسی، بدون عنوان نام آورده است؛ در حالی که دعاوی دیگر به ترتیب در مبحث اول فصل ششم تحت عنوان امور اتفاقی با ذکر نام آمده است. ادعای جعل ممکن است به صورت تبعی یا جعل طاری مطرح گردد و جعل طاری نیز می‌تواند در قالب دعوی تقابل یا ورود ثالث یا جلب ثالث یا دعوی اضافی اقامه شود. دعاوی جعل طاری به تفکیک از زوایای مختلف قابل بررسی است تا جایگاه جعل طاری در سیستم دادرسی مدنی مشخص گردد.

کلیدواژگان

جعل طاری، دعوی جعل طاری متقابل، دعوی جلب ثالث، دعوی ورود ثالث، دعوی اضافی.

* نویسنده مسئول: رایانامه: rishehri.boushehr@gmail.com

گفتار اول: صور رسیدگی به جعل سند

جعل اصولاً یکی از دعاوی کیفری است و از جمله جرایمی است که اعتقاد عمومی جامعه را به ارزش اسناد و مدارک سست می‌کند. در قانون کلمه جعل و تزویر استفاده شده که از نظر لغت با همدیگر متفاوت‌اند (جعل در لغت به معنی دگرگون‌کردن، منقلب‌نمودن، گردانیدن، قراردادن، آفریدن، وضع کردن، ساختن، ایجاد کردن آمده است (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳۰)) اما از نظر اصطلاح مترادف‌اند. تعریف جعل در قانون نیامده است ولی اگر نیاز به تعریف این واژه باشد باید به ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که مصادیق جعل را احصاء نموده است. ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارت‌اند از ساختن نوشته یا سند، ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم‌بردن و ... به قصد تقلب»؛ بنابراین باید گفت جعل عبارت از تغییر یا تحریف یا ساختن متقلبانة یک نوشته یا سند (به صورت مادی یا معنوی) به قصد اضرار به غیر و به طریق پیش‌بینی‌شده در قانون است. ارکان جعل مادی و معنوی و قانونی است. در جعل ورود ضرر نیز از ارکان است که مورد آخر از طریق رویه قضایی احراز می‌شود. حقوقدانان ایرانی جعل را به دو بخش جعل مادی و جعل معنوی تقسیم نموده‌اند: جعل مادی آن است که در ظاهر و صورت نوشته یا سند و غیره خدشه‌ای وارد می‌شود و جعل معنوی یا مفادی آن است که بدون ایراد هیچ‌گونه خدشه‌ای به ظاهر سند یا نوشته و غیره، حقیقت در آن‌ها تحریف شده و مطالب منتسب به دیگران به گونه دیگری در آن‌ها منعکس می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴)؛ بنابراین تعقیب جرم جعل علی‌القاعده به عهده دادسراست و می‌تواند با شکایت شاکی آغاز شود و در هر حال بر اساس آیین دادرسی کیفری و در مرجع کیفری مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار گیرد. روشن است اگر شخصی ادعا داشته باشد که سندی به زیان او جعل شده است و این امر را موضوع شکایتی کیفری قرار دهد یا دادسرا با آگاهی از ارتکاب جعل، فاعل را تحت پیگرد کیفری قرار دهد، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به اصالت یا جعلیت سند در مرجع کیفری و طبق آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید و، هرگاه دادرسی کیفری منتهی به صدور حکم نهایی مبنی بر جعلیت سند گردد، سند مزبور، حسب مورد، جزئاً یا کلاً اعتبار خود را از دست داده و اگر به استناد آن دعوایی اقامه شده یا شود، طرفی که

سند علیه او ابراز گردیده است، می‌تواند با ارائه و یا استناد به حکم نهایی مرجع کیفری و تأکید بر جعلی بودن سند یا قسمتی از آن، از آثار سند مزبور یا قسمت مجعول آن رها شود و در نتیجه نوبت به طرح ادعای جعل، به مفهوم دقیق اصطلاح، در مرجع حقوقی و رسیدگی به این ادعا نمی‌رسد؛ زیرا دادگاه حقوقی مکلف است از حکم دادگاه کیفری در خصوص اصالت یا جعلیت سند تبعیت کند (شمس، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳). دعوی جعل اصولاً یکی از ادعاهای عمومی یعنی دعوی کیفری است که معمولاً از طرف دادرسی باید اقامه شود. شخص متضرر از جعل سند نیز، بدیهی است، می‌تواند به آن دعوی ملحق گردیده، به نام مدعی خصوصی دادخواست بدهد. اما دعوی جعل که موضوع آیین دادرسی مدنی است یک نوع دعوی طاری محسوب می‌گردد که در اثنای یک دعوی اصلی مدنی اقامه می‌گردد و تابع قواعد دادرسی مدنی است؛ بنابراین دعوی جعل بر دو قسم است: دعوی جعل اصلی که همان دعوی کیفری است که از طرف دادستان علیه متهم اقامه می‌شود و دعوی جعل طاری که یک دعوی مدنی است که نظری به فاعل نداشته و فقط متوجه جعل است؛ به عبارت دیگر نسبت به جاعل، رویه جهل یا تجاهل را پیش گرفته و هدفش از اعتبار انداختن سندی است که در طی دعوی اصلی مدنی بر علیه مدعی جعل ابراز شده است. دعوی جعل اصلی که از خصایص دستگاه کیفری است به دو طریق متصور است: اولاً بر اثر اعلام جرم به دادرسی به هر نوعی که دادستان از وقوع جعل مستقیماً مطلع شود. ثانیاً بر اثر ارجاع از دادگاه مدنی در مواردی که یکی از متداعیین در دعوی مدنی نسبت به سند ابراز شده طرف مقابل ادعای جعل کند و جاعل آن را هم معرفی نماید که آن را به اصطلاح ادعای جعل با تعیین جاعل گویند و در صورتی که دلایل کافی بر اتهام شخصی که جاعل معرفی شده است فراهم نشود، دعوی جعل اصلی بلا تعقیب می‌ماند. لیکن منشأ تولید آن، که ادعای جعل در دادگاه مدنی با درخواست ابطال سند مجعول یا به اصطلاح یک دعوی جعل طاری بوده است، از بین نمی‌رود.

محکوم‌نشدن فاعل مطابق قواعد کیفری مانع از آن نیست که مطابق موازین حقوق مدنی تکلیف جعل معین نشود. تعقیب فاعل برای مجازات او است که از حقوق عمومی است. تعقیب جعل برای احراز اصالت سند یا عدم اصالت آن است و از حقوق خصوصی محسوب می‌شود. بلا تعقیب ماندن دعوی جعل اصلی، دعوی طاری را از بین نمی‌برد (متین دفتری، ۱۳۸۱، ص ۳۷۵)

اما هرگاه شخصی آگاه شود که سندی یا قسمتی از سندی به زیان او جعل شده است و به هر علت نخواهد شکایت کیفری مطرح کند؛ می‌تواند علیه شخصی که سند را در اختیار دارد اقامه دعوی جعل نماید و، با اثبات جعلیت سند، حکم جعلیت سند را گرفته و، پس از نهایب شدن آن، از نگرانی وجود سند فارغ شود؛ به تعبیری این شیوه طرح ادعای جعلیت سند، دعوی جعل طاری به شمار می‌رود زیرا تنها یک دعوا اقامه شده و خواسته آن صدور حکم مبنی بر اعلام جعلیت سند موردنظر و ابطال آن می‌باشد و احکام و آثار این دعوا مشمول قواعد عام است. در این صورت روشن است که اگر حکم نهایب مبنی بر جعلیت سند صادر شود، سند مزبور اعتبار خود را از دست داده و در مرجع حقوقی دیگر نوبت به طرح ادعای جعل تبعی نمی‌رسد (شمس، ۱۳۸۲، ص ۱۹۴).

گفتار دوم: دعوی جعل تبعی و جعل طاری در دادرسی مدنی

الف) دعوی جعل تبعی

ادعای جعل تبعی بدین معنا است که هرگاه سندی رسمی یا عادی در دعوی مورد استناد هریک از طرفین قرار گیرد و طرف مقابل، در مقام دفاع در برابر سند، به اصالت آن در قالب ادعای جعل تعرض نماید، این ادعای جعل «تبعی» خوانده می‌شود زیرا از جمله در جریان رسیدگی به دعوی (اصلی) مطرح شده است، برای مثال، در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۷۲۲۱۰۰۶۶۵ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تنگستان (اهرم) خواهان دعوی را به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک، عهده بانک تعاون به مبلغ نود و هشت میلیون ریال به انضمام هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارات تأخیر تأدیه مطرح می‌نماید و خواننده ادعای جعل و استفاده از سند مجعول را مطرح می‌کند، لیکن علی‌رغم رسیدگی به ادعای خواننده در خصوص جعل (و ارجاع آن به کارشناس) چنین ادعایی اثبات نمی‌گردد و در نتیجه دادگاه طی دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۷۲۲۱۰۰۶۶۰ حکم به محکومیت خواننده به پرداخت اصل خواسته و خسارات آن صادر می‌نماید. این ادعای جعل، نه تنها از این جهت که در جریان رسیدگی به دعوی اصلی مطرح شده است، بلکه به این سبب هم تبعی شمرده می‌شود که وجود آن تابع وجود دعوی اصلی است. در نتیجه، اگر در جریان رسیدگی به

دعای اصلی و ادعای جعل تبعی، برای مثال دعوی اصلی مسترد شود و یا قرار رد یا عدم استماع دعوی اصلی صادر شود ادامه رسیدگی به ادعای جعل نیز منتفی می‌شود.

هدف از ادعای جعل تبعی معمولاً رهاشدن از آثار تعهدآور سند ابرازی در دعوا و نه مجازات فاعل آن است. از این رو مدعی جعل تبعی، معمولاً جاعل را، حتی اگر بشناسد، تعیین نمی‌نماید. ادعای جعل تبعی بدون تعیین جاعل در عرف قضایی «جعل ساده» خوانده می‌شود. ادعای جعل ساده در هر حال در دادگاه حقوقی رسیدگی می‌شود و همین مرجع است که اصالت یا جعلیت سند را اعلام می‌نماید.

ب) جعل طاری و انواع آن

ادعای جعل ممکن است از سوی خوانده و بدون تقدیم دادخواست و بدون درخواست صدور حکم بر ابطال کل یا بخشی از سند باشد یا، به عکس، ابتدا به ساکن یا در جریان رسیدگی با تقدیم دادخواست و تقاضای رسیدگی به مجعولیت سند و صدور حکم به ابطال بخشی یا کل سند باشد. حالت اخیر، یعنی اگر در جریان رسیدگی اقدام به تقدیم دادخواست به صورت تقابل یا ورود ثالث یا جلب ثالث و یا طرح دعوی اضافی به خواسته رسیدگی به جعلیت سند و صدور حکم به ابطال بخشی یا کل سند باشد، مصداق دعوی جعل طاری است که انواع آن به ترتیب بررسی می‌گردد.

دعوی جعل طاری متقابل و شرایط آن

جعل طاری ممکن است به صورت دعوی متقابل مطرح گردد. گاهی ادعای جعل ساده وافی به مقصود نیست و لازم است که دعوی طاری با خواسته‌ای مطرح گردد که جهت و دلیل آن جعل سند است. در این صورت دعوی مطروحه مصداق جعل طاری است. به عنوان مثال در دعوی اصلی، شخصی به استناد یک فقره چک، مطالبه وجه و خسارات قانونی نموده است. خواننده متوجه می‌گردد که چک مورد استناد از چک‌های مفقودی او و مجعول است و خواهان با مراجعه به بانک ذی ربط گواهی عدم پرداخت نیز اخذ نموده است. از طرفی لازم است که ادعای جعل چک مطرح گردد و از سویی لازم است، برای رفع سوء اثر از چک، لاشه آن مسترد گردد تا با مراجعه به بانک و ارائه آن درخواست رفع سوء اثر از چک صورت گیرد. بنابراین با تقدیم دادخواست تقابل مبنی بر استرداد لاشه چک به جهت جعل و اثبات جعلیت آن با ارجاع به

کارشناس را مطرح می‌نماید. این دعوی جعل که در مقابل دعوی اصلی مطرح می‌گردد از مصادیق دعوی جعل طاری است.

دعوی متقابل یکی از اقسام دعاوی طاری است که قانونگذار آن را در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ این گونه آورده است: «خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان اقامه دعوا نماید؛ چنین دعوایی، در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می‌شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد در دادگاه صالح به‌طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد.»؛ بنابراین دعوی متقابل دعوایی است که خوانده تحت شرایطی می‌تواند در مقابل دعوی خواهان، به منظور کاستن از محکومیتی که او را تهدید می‌کند، جلوگیری کلی از این محکومیت و یا حتی تحصیل حکم محکومیت خواهان اصلی به دادن امتیاز علیه او، اقامه نماید (شمس، ۱۳۸۲، ص ۴۹۹). و به عبارت دیگر دعوی متقابل دعوایی است که خوانده در دفاع به‌عنوان طرح یک ادعا در مقابل دعوی خواهان اقامه می‌نماید (مهاجری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴). دعوی متقابل برای ادعای جعل (دعوی جعل طاری در قالب دعوی تقابل) همانند دعوی اصلی باید به موجب دادخواست باشد. یعنی همان شرایط عمومی را، که شرایط اقامه دعوا است، باید دارا باشد و آن شرایط عبارتند از نفع و سمت و اهلیت و اینکه دعوی در مدت قانونی اقامه شده باشد و مشمول امر مختوم بهاء نشده باشد. علاوه بر شرایط عمومی، برای طرح دعوی جعل طاری متقابل، شرایط دیگری هم لازم است که تحت عنوان شرایط اختصاصی دعوی متقابل می‌توان برشمرد:

یک. اقامه دعوی جعل طاری از ناحیه خوانده علیه خواهان

براساس ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی جعل طاری متقابل از سوی خوانده در مقام دفاع اقامه می‌شود و در عین حال از سوی خواهان تقابل تقاضای صدور حکم از دادگاه مطابق خواسته دعوی تقابل وجود دارد؛

دو. ارتباط دعوی اصلی و جعل طاری متقابل

دعوی جعل طاری متقابل باید با دعوی اصلی از یک منشأ یا با دعوی اصلی مرتبط باشد. چنانچه

برای ابلاغ دادخواست دعوی جعل طاری متقابل به خواهان اصلی فرصت کافی باشد، قرار رسیدگی توأم صادر می‌گردد و، چنانچه زمان کافی نباشد، در روز رسیدگی به دعوی اصلی نسبت به دعوی جعل طاری متقابل تصمیم‌گیری خواهد شد؛

سه. در مهلت خاص بودن دعوی جعل طاری متقابل

ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته است: «دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود...»؛ به موجب این ماده، مهلت ارائه دادخواست دعوی جعل طاری متقابل تا پایان اولین جلسه دادرسی معین شده است. بنابراین خوانده می‌تواند دعوی جعل طاری متقابل را قبل از تشکیل و تا پایان جلسه اول تقدیم نماید و برای اینکه مشخص شود دعوی جعل طاری متقابل در مهلت زمان قانونی تقدیم گردیده است باید زمان ثبت دادخواست مدنظر قرار بگیرد.

دعوی جعل طاری ورود ثالث

جعل طاری ممکن است به صورت ورود ثالث مطرح گردد. گاهی لازم است که دعوی جعل طاری به صورت ورود ثالث مطرح گردد. به عنوان مثال، اگر خواهان اصلی یک فقره چک مفقودی متعلق به شرکتی را به امضای مدیران سابق جعل نماید و تعمداً دعوا را صرفاً علیه شرکت مطرح کند و مدیران سابق را به عنوان خوانده تعیین ننماید و مدیران سابق متوجه چنین جعلی گردند؛ لازم است که با تقدیم دادخواست ورود ثالث مبنی بر اثبات جعلیت چک مورد ادعا به عنوان وارد ثالث دعوی جعل طاری مطرح نماید.

ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محقق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه اینکه رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر، در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید».

دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث از سوی شخص ثالث به طرفیت اصحاب دعوی اصلی

اقامه می‌گردد. دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث بر دو نوع است: ممکن است مدعی دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث مستقلاً برای خود حقی قایل شود و یا ممکن است خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند. به‌عنوان مثال شخص «الف» دعوایی علیه «ب» به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی مطرح می‌کند و مدعی است که شخص «ب» ملکی را در تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۰ به وی فروخته است اما حاضر به تنظیم سند رسمی انتقال نیست. در جریان رسیدگی شخص «ج» به‌عنوان مدعی دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث، در آن دعوا حاضر می‌شود، با این ادعا که «ب» این ملک را قبلاً به وی فروخته است و سند ابرازی «الف» مجعول است و درخواست رسیدگی به جعل و ابطال سند مجعول را می‌نماید؛ علاوه بر آن خواهان تنظیم سند رسمی به نام خودش می‌شود.

یا اینکه شخص «ج»، که مدعی دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث است، خود را در محق شدن یکی از طرفین «الف» و «ب» ذی‌نفع می‌داند، از این رو، وارد دعوای ایشان می‌شود؛ به این نوع دعوی جعل طاری ورود شخص ثالث و ورود ثالث «تقویتی یا تبعی» می‌گویند. به‌عنوان مثال، شخصی با جعل سندی مدعی حق ریشه و نسق زراعی در زمینی است و دعوایی را، علیه مالک جدید (انتقال‌گیرنده ملک) و شهرداری که طرح تملک آن را دارد، مطرح نموده است. مالک سابق، که از ادعای خلاف واقع خواهان و جعل سند از سوی او مطلع است، با طرح دعوای جعل طاری ورود ثالث درخواست رسیدگی به مجعولیت سند ابرازی و ابطال آن را می‌نماید تا از ادعای بعدی انتقال‌گیرنده نسبت به خود یا ورثه خود ممانعت می‌نماید.

به‌طور کلی در دعوای ورود ثالث، خواهان (وارد ثالث) ممکن است خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند. این حالت از دعوای ورود ثالث را «تقویتی یا تبعی» می‌گویند (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲).

در خصوص دعوای جعل طاری ورود ثالث دادگاهی صلاحیت رسیدگی دارد که پرونده دعوی جریانی اصلی در آن دادگاه مقید به رسیدگی است؛ خواه این دعوی در مرحله بدوی باشد خواه در مرحله تجدیدنظر؛ لذا تفاوتی نخواهد داشت؛ در صورتی که دادخواست ورود ثالث به دادگاه تقدیم شود، ضمن توجه به شرایط دادخواست که همان شرایط دادخواست اصلی است، در

صورتی که فرصت کافی تا وقت تعیین شده برای پرونده اصلی وجود داشته باشد، ابلاغ انجام و در غیر این صورت وقت دادرسی پرونده اصلی به وقت موسع تبدیل و مراتب به خوانندگان اعلام می‌گردد (مهاجری، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷) و خوانندگان دعوی جعل طاری ورود ثالث، طرفین دعوی اصلی هستند و مهلت دعوی جعل طاری ورود ثالث، چه در مرحله بدوی چه در مرحله تجدیدنظر، تا وقتی است که ختم دادرسی اعلام نشده باشد.

دعوی جعل طاری جلب ثالث

گاهی لازم است که دعوی جعل طاری به صورت جلب ثالث مطرح گردد. به عنوان مثال، اگر خواهان اصلی یک فقره چک مفقودی متعلق به شرکتی را به امضای مدیران سابق جعل نماید و تعمداً دعوا را صرفاً علیه شرکت مطرح کند و مدیران سابق را به عنوان خواننده تعیین نکند و مدیران جدید شرکت متوجه جعل امضای مدیران سابق گردند، لازم است که با تقدیم دادخواست جلب ثالث (جلب مدیران سابق به دعوا) مبنی بر اثبات جعلیت چک و استرداد لاشه آن، برای رفع سوء اثر از حساب بانکی شرکت، دعوی جعل طاری مطرح نمایند.

ماده ۱۳۵ آیین دادرسی مدنی در مورد دعوی جلب ثالث بیان می‌دارد: «هریک از اصحاب دعوا که جلب ثالثی را لازم بدانند، می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر»؛ بنابراین یکی از دعوی طاری که در کنار دعوی اصلی مطرح می‌شود دعوی جعل طاری جلب ثالث است که از سوی هر یک از طرفین پرونده به طرفیت شخصی که در دعوا نیست مطرح می‌گردد.

در دعوی جعل طاری جلب ثالث، طرفی که ثالث را جلب می‌نماید اصطلاحاً «جالب» و ثالثی که جلب می‌شود «مجلوب ثالث» گفته می‌شود و این دعوا چه در مرحله بدوی (مقطع اول و دوم) و چه در مرحله تجدیدنظر به همان کیفیت مرحله بدوی قابل طرح است؛ بدین معنی که اگر دادخواست دعوی جعل طاری جلب ثالث علیه کسی در مرحله تجدیدنظر داده شد، در حالی که امکان جلب وی در مرحله بدوی وجود داشت، دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند به این دلیل که در مرحله بدوی از این امکان استفاده نشده است دعوا را مردود اعلام نماید. دعوی جعل طاری

جلب ثالث با تقدیم دادخواست طرح می‌شود و تعداد نسخه‌های دادخواست تابع مقررات مربوط به دادخواست اصلی است. در دعوی جعل طاری جلب ثالث، دادخواست به طرفیت طرف دیگر دعوی اصلی و مجلوب ثالث اقامه می‌گردد و اگر خواننده دعوی اصلی بخواهد دعوی جعل طاری جلب ثالث را مطرح نماید، خوانندگان دعوی وی خواهان دعوی اصلی و مجلوب ثالث است و اگر خواهان دعوی اصلی بخواهد دعوی جعل طاری جلب ثالث نماید، باید خواننده دعوی اصلی و مجلوب ثالث را خوانندگان دعوی جلب ثالث قرار دهد. ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته است «دادخواست جلب شخص ثالث و رونوشت و مدارک و ضمائم باید به تعداد اصحاب دعوا به علاوه یک نسخه باشد...». بر این اساس می‌توان گفت که اگر دادخواست دعوی جعل طاری جلب ثالث به تنهایی بطرفیت مجلوب ثالث داده شود با توجه به اینکه شرایط و شکل آن که مشخص شد، دعوی مطابق مقررات قانون طرح نگردیده، دعوی مشمول ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ضمانت آن قرار عدم استماع دعوا خواهد بود. دلالت ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی مهلت اقامه دعوی جعل طاری جلب ثالث تا پایان جلسه اول دادرسی است و در صورتی که خواهان یا خواننده دعوی اصلی بخواهند بعد از جلسه اول دادرسی، دعوی جعل طاری جلب ثالث مطرح نمایند، مکلف‌اند در جلسه اول دادرسی آن را اظهار و تا سه روز پس از جلب دادخواست آن را به شعبه رسیدگی کننده تقدیم نمایند و اگر در همان جلسه اول دادخواست تقدیم دادگاه گردد اصطلاحاً به آن «ارتجالی» گویند.

دعوی جعل طاری اضافی و شرایط آن

دعوی جعل طاری ممکن است به صورت دعوی اضافی مطرح گردد. دعوی اضافی یکی دیگر از اقسام دعوی طاری است، به نحوی که در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی بیان شده است «هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان اقامه شود دعوی طاری نامیده می‌شود» و ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره دارد؛ به این عبارت که «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا دادخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد»؛ پس می‌توان این

دعوا را این‌گونه تعریف کرد: تغییری است که خواهان در دعوی اصلی خود می‌دهد، اعم از اینکه آن را محدود کند یا بر آن بیفزاید؛ البته افزایشی که با اصل دعوی از یک منشأ باشد. دعوی اضافی در دو معنای اعم و اخص نیز قابل تعریف است. در معنای اعم به هر نوع تغییر در خواسته دعوا، اعم از کاهش یا افزایش خواسته و یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست، از طرف خواهان دعوی اضافی گویند و در معنای اخص عبارت است از اعمال نوعی تغییر در گستره موضوعی دعوا به صورت افزایش که نیازمند تقدیم دادخواست جدید از سوی خواهان باشد. دعوی جعل طاری اضافی از مصادیق معنای اخص دعوی اضافی است.

دعوی اضافی به معنای اعم در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است و مفهوم اخص آن را می‌توان با استفاده از مواد ۱۷ و ۴۸ این قانون ناظر به ماده ۹۸ آن استنباط کرد (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶). دعوی جعل طاری اضافی دارای شرایطی است:

یک. از سوی خواهان بودن دعوی جعل طاری اضافی

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان فقط می‌تواند از مزایای دعوی اضافی استفاده نماید؛ در حالی که به دعوایی که از سوی خوانده علیه خواهان یا اشخاص ثالث اقامه می‌شود دعوی تقابل و دعوی جلب شخص ثالث گفته می‌شود.

دو. لزوم تقدیم دادخواست دعوی جعل طاری اضافی

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد «شروع رسیدگی در دادگاه‌های دادگستری محتاج به تقدیم دادخواست است». دادگاه زمانی که دادخواست تقدیم شده باشد؛ به موجب ماده فوق می‌تواند به دعوی رسیدگی نماید. دعوی جعل طاری اضافی مشمول این قاعده است و دادخواست باید به همراه ضmannم به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه قبل از جلسه تهیه گردد.

سه. از یک منشأ بودن دعوی جعل طاری اضافی و ارتباط با دعوی اصلی

ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید «دعوی طاری اگر با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ باشد و یا با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است»؛ بدین ترتیب با در نظر گرفتن قسمت صدر ماده و قسمت ذیل آن می‌توان گفت برای اینکه دعوی جعل طاری اضافی در دادگاهی اقامه شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه

شده است، دعوای جعل طاری اضافی باید با دعوی اصلی هم‌منشأ باشد و یا با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد و از ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، که در بیان شرایط اقامه دعوی اضافی است، می‌توان استنباط کرد که دعوای جعل طاری اضافی ضمن اینکه باید با دعوی اصلی هم‌منشأ باشد، لازم است که با آن ارتباط هم داشته باشد؛ البته نه ارتباط کامل چرا که صرف ارتباط هم کفایت می‌نماید؛ لذا بر این اساس می‌توان گفت که رعایت مفاد ماده ۹۸ در اقامه دعوی جعل طاری اضافی لازم است.

گفتار سوم. آیین رسیدگی به دعوای جعل طاری

منظور از ادعای جعل طاری این است که طرف دعوی (کسی که سند علیه او ابراز شده) مدعی می‌شود که سند ابرازی ساختگی است و برخلاف واقع است؛ مثلاً امضای ذیل آن را ساخته‌اند یا متن سند یا امضای آن را تغییر داده‌اند و یا با تراشیدن، قلم بردن یا الحاق یا تقدیم یا تأخیر تاریخ و نظایر آن مرتکب جعل شده‌اند و با طرح دعوای جعل طاری و تقدیم دادخواست، تقاضای رسیدگی به مجعولیت سند و صدور حکم به ابطال سند مجعول را می‌نماید. به عبارت دیگر مدعی دعوای جعل طاری اظهار می‌دارد که سند به قصد تقلب ساخته شده یا اینکه می‌گوید، در اصل، سندی وجود داشته اما نه با شکل و متنی که ارائه شده بلکه کلماتی به آن افزوده‌اند و یا در عبارات آن تغییرات داده‌اند و از جمله تاریخ آن را عوض نموده‌اند؛ یعنی در ادعای جعل طاری به انکار و نقص سند اکتفا نمی‌گردد بلکه از وضعیت متقلبانه آن اعلام اطلاع می‌شود (مدنی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۲).

ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی این‌گونه می‌گوید: «ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود؛ در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد موظف است، ظرف دو روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید و مدیر دفتر، پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می‌نماید. چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد.» در صورتی که مدعی جعل درخواست صدور حکم به ابطال سند مجعول را داشته باشد لازم است که دعوای جعل طاری را مطرح نماید. بنابراین هریک از اصحاب دعوا

می‌تواند نسبت به اسنادی که طرف مقابل علیه او استفاده کرده است، با ذکر دلیل، ادعای جعل نماید و با طرح دعوی جعل طاری رسیدگی به مجعولیت سند و صدور حکم به ابطال سند مجعول را درخواست نماید. دعوی طاری جعل با درخواست صدور حکم به ابطال سند، حسب مورد، در قالب دعوی تقابل یا ورود ثالث یا جلب ثالث قابل طرح است. ادعای جعل ساده و تبعی (بدون تقدیم دادخواست و درخواست صدور حکم به ابطال سند) باید حتی‌الامکان تا اولین جلسه دادرسی مطرح شود؛ در صورتی که خواننده قصد ادعای جعل نسبت به اسناد پیوست دادخواست را در اولین جلسه دادرسی داشته باشد، مکلف است در اولین دفاع خود آن را عنوان نماید؛ در این صورت چنانچه خواهان در جلسه دادرسی حضور داشته باشد می‌تواند، در صورتی که تمایل داشته باشد، در همان جلسه تصمیم خود را نسبت به استرداد سند یا باقی‌بودن به استفاده از آن به دادگاه اعلام کند یا از مهلت ده روزه جهت اتخاذ تصمیم استفاده نماید. در صورتی که خواهان به استفاده از سند باقی باشد و در همان جلسه نیز اصل آن را تسلیم دادگاه نماید و دادگاه آن را مؤثر در دعوا دانسته و بتواند در همان جلسه به اصلت آن رسیدگی نماید، نیازی به تجدید جلسه به این علت نمی‌باشد، اما چنانچه دادگاه نتواند در همان جلسه به اصلت آن رسیدگی نماید یا خواهان بخواهد از مهلت ده روزه مقرر استفاده کند، جلسه دادرسی الزاماً به همین علت تجدید خواهد شد و چنانچه خواهان در جلسه دادرسی حاضر نباشد و خواننده نسبت به اسناد او ادعای جعل نماید، این ادعا و دلایل آن باید به خواهان ابلاغ شود تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، چنانچه به استفاده از سند باقی است، اصل آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند؛ در این صورت تجدید جلسه دادرسی اجتناب‌ناپذیر است.

خواهان نیز می‌تواند اسناد مورد استناد خواننده را با ذکر دلیل مورد ادعای جعل قرار دهد؛ در این صورت نیز به ترتیب مزبور عمل و، در صورتی که لازم باشد، جلسه تجدید می‌شود و در صورتی که نسبت به سند ادعای جعل شود، دادگاه علی‌القاعده باید به اصلت سند رسیدگی نماید (شمس، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲-۱۸۱)؛ بنابراین اگر در جلسه اول دادرسی نسبت به اسناد طرف مقابل ادعای جعلیت شود، دادگاه به شخصی که سند را مورد استناد قرار داده است اخطار خواهد کرد که اصل سند را ظرف ده روز ارائه کند؛ در ضمن اخطار به طرف، ادعای جعلیت و دلایل آن را نیز به صاحب سند (استنادکننده) ابلاغ خواهد کرد. بدیهی است؛ اگر متعاقب ایراد ادعای جعل، اصل

سند حاضر باشد و شخص آن را تقدیم دادگاه کند، ابلاغ منتفی خواهد شد (مهاجری، ۱۳۸۴، ص ۳۲). در صورتی که دادگاه، پس از رسیدگی به ادعای جعلیت، سند را مجعول تشخیص ندهد دستور تحویل آن را به حساب سند صادر می‌نماید. در چنین صورتی کارمندان دادگاه طبق دستور عمل می‌نمایند و چنانچه دادگاه، پس از رسیدگی به ادعای جعلیت، سند را مجعول تشخیص دهد باید معین کند که آیا باید تمام سند از بین برده شود یا اینکه قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتش در روی سند محو شود یا کلماتش در روی سند تغییر داده شود (بازگیر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

دعای جعل طاری با تقدیم دادخواست و با خواسته‌ای از دادگاه توأم است و ممکن است در قالب دعوی تقابل یا ورود ثالث یا جلب ثالث یا دعوی اضافی مطرح گردد. دعوی جعل طاری مثل سایر دعوی طاری دارای مزایا و فوایدی است؛ از جمله اینکه در وقت و هزینه دادرسی صرفه‌جویی می‌شود. بدین معنی که به‌جای دو دادرسی یک دادرسی انجام می‌گیرد و قاعداً اگر دعوی در دو مرجع رسیدگی شود، موجب طولانی‌شدن دادرسی است. با طرح دعوی جعل طاری از صدور آرای متعارض جلوگیری می‌شود. با وجود این، رسیدگی به دعوی جعل طاری همراه با دعوی اصلی طبعاً موجب اطالۀ دادرسی است؛ بدین معنی که وقتی دو دعوی در یک دادرسی جمع گردد مسائل طرح‌شده در دادگاه بیشتر می‌شود و جریان دادرسی را سنگین‌تر و روند رسیدگی را کند می‌نماید. در دعوی جعل طاری نیز دادگاه در خصوص جعل اصلی براساس شرایط عمومی مبادرت به پذیرش دعوا می‌نماید؛ به عبارت دیگر، مدعی جعل اصلی باید از طریق تقدیم دادخواست به خواسته جعلیت سند و صدور حکم مطابق خواسته مورد نظر خواهان جعل طاری مبادرت به اقامۀ دعوا نماید. در حالی که در رسیدگی به جعل تبعی نیاز به تقدیم دادخواست نیست و چنانچه در اثنای دادرسی ادعای جعلیت در دعوی حقوقی مطرح شود و مدعی شخص معینی را به جعل سند استنادی متهم کند، دادگاه حقوقی علی‌القاعده باید مراتب را به دادستان جهت تشکیل پرونده کیفری اعلام نماید ولی چنانچه مدعی جعلیت شخص معینی را مشخص ننماید، در این حالت، مدعی جعلیت سند باید مراتب ادعای جعل را و هم مراتب دلایل ادعا را به

دادگاه ارائه نماید و، در حالی که دعوی حقوقی در جریان رسیدگی بوده و رأی قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند صادر شده باشد، این رأی برای دادگاه عمومی حقوقی متبع خواهد بود و اگر اصالت یا جعلیت سند بر اساس رأی قطعی جزایی ثابت شده و آن سند مستند پرونده‌های حقوقی قرار گرفته باشد، رأی کیفری وفق مقررات باب اعاده دادرسی قابل استناد خواهد بود. در حالی که دادگاه ضمن رسیدگی به ادعای جعل مرتبط با دعوی مدنی در دادگاه دیگری اطلاع حاصل نماید، موضوع را به رئیس دادگستری منعکس می‌نماید تا با عنایت به سبق ارجاع در جهت رسیدگی توأم پرونده‌ها اتخاذ تصمیم نماید.



منابع و مأخذ

۱. بازگیر، یدالله (۱۳۸۱). *تشریفات دادرسی مدنی در آیین دایوان عالی کشور*، تهران، انتشارات فردوسی
۲. شمس، عبدالله (۱۳۸۲). *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
۳. صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۶). *آیین دادرسی مدنی بازرگانی*. جلد اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. کریمی، عباس (۱۳۸۶). *آیین دادرسی مدنی*. تهران.
۵. متین دفتری، احمد (۱۳۴۹). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات هاشمی
۶. مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۷۹). *آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات پایدار.
۷. معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. مهاجری، علی (۱۳۸۵). *آیین قضاوت مدنی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات فکرسازان
۹. مهاجری، علی (۱۳۸۴). *جزوه ارزیابی ادله اثبات دعوا در امور مدنی*. تهران: دوره کارآموزی قضایی ۹۸، انتشارات آموزش قوه قضاییه.
۱۰. میرمحمدصادقی، سیدحسین (۱۳۸۰). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*. تهران انتشارات میزان.